

تاریخچه‌ی تعمیرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران

از افازنده سیر و ششم هجرت سر تا دمرو

(۳)

یحیی ذکا

جای خوشبختی است راجع بدرفشها و علمهای دوره‌ی ناصرالدین‌شاه مدرک بسیار از زنده و مهمی موجود است که شکل و رنگ و موارد استعمال هر یک از درفشها را تشریح کرده ، ما را از هر گونه جستجو و تحقیق و موشکافی دیگر در این زمینه بی‌نیاز می‌نماید .
مدرک فوق عبارت از رساله‌ی مختصر یا یادداشتهای مصور است که در مجلد چهارم «کراسه»ی مرحوم غلام‌حسین افضل‌الملک المعی (از صفحه‌ی ۲۲۳۴ الی ۲۲۷۶) گرد آمده و اکنون در کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی ایران تحت شماره‌ی ۱۸۲۲۱ - ۱۵۱۶ - ۴ جزو کتب خطی فهرست نشده نگاهداری می‌شود^{۲۸} .



شکل ۵۴ - پشت و روی مدال جلادت با شیر نشسته و خورشید از زمان ناصرالدین‌شاه (دوره‌ی صدارت میرزا آقاخان نوری) مجموعه‌ی سکه‌ها و مدالهای آقای رضا امین سبحانی . تبریز



شکل ۵۱ - پشت و روی نشان جلادت با شیر نیمرخ و خورشید و شمشیر و تاج مورخ ۱۳۶۲ ه . ق . مجموعه‌ی سکه‌ها و مدالهای آقای رضا امین سبحانی . تبریز

از شرحی که مرحوم افضل‌الملک در انتهای این یادداشتها نوشته است ، چنین پیداست که تقریر شرح درفشها از مرحوم محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه وزیر دارالتألیف ناصری بوده

۲۸ - بدین وسیله از تیمسار شمس‌الدین رشدیه استاد محترم دانشکده‌ی افسری که نویسنده را از وجود چنین یادداشتهایی مطلع ساختند تشکر می‌نمایم .

و آقا میرزا حیدرعلی همدانی منشی و مسوومه نویس دارالتالیف مزبور آنرا تحریر کرده است . تاریخ تقریر و تحریر این یادداشتها ، در خود رساله نوشته نشده ولی چون در متن آن از کشتی «پرسپولیس» نام برده شده است و این کشتی در سال ۱۳۰۰ هـ . ق. از دولت آلمان خریداری شده و در سال ۱۳۰۲ هـ . ق. مسلماً در خلیج فارس لنگر انداخته بوده^{۲۹} و لقب اعتمادالسلطنه نیز به محمدحسن خان در سال ۱۳۰۴ اعطا گردیده است ، بنابراین میتوان یقین کرد که این تقریرات در فاصله‌ی سال ۱۳۰۴ و ۱۳۱۳ که سال وفات مرحوم اعتمادالسلطنه می‌باشد نوشته شده است . چون بر روی تصویر رنگی یکی از درفشها نیز (نمره دو) سندی ۱۳۰۶ بطور مبهم خوانده می‌شود ، بنابراین میتوان احتمال داد که سال دقیق تقریر و نقاشی و کتابت آن ، همان سال بوده و یا دست کم بعد از آن تاریخ بوده است .

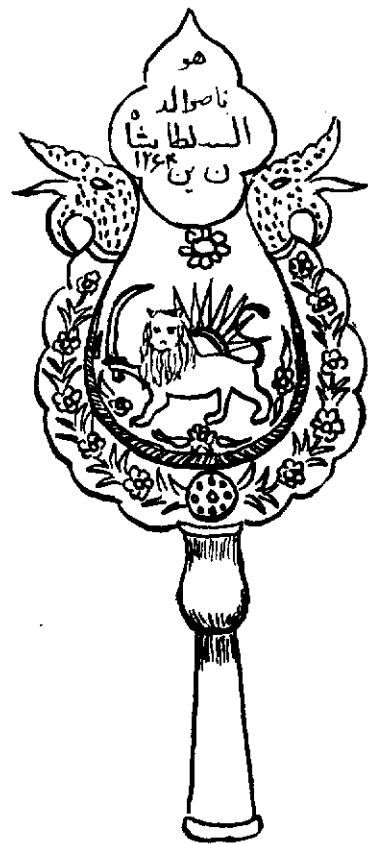
در «کراسه المعی» شرح و وصف یکایک درفشها و علم‌های دوره‌ی سلطنت ناصرالدین‌شاه بدین گونه آمده است^{۳۰} :

نمره اول

علم مشهور بعلم کاویان است ، این علم پرده شیر و خورشید ندارد ، در عوض پرده ، کیسه‌ای از ماهوت سرخ تا نصف این پرده کشیده شده و چند سالامه از شال ترمه روی کیسه ماهوت سرخ آویخته است . طوق این علم از طلا و مرصع است ، صورت دو اژدها در دو سمت و پنجه‌ای در وسط می‌باشد^{۳۱} . این علم مخصوص غلامان خاصه کشیک‌خانه است ، سابق بر این یعنی قبل از سفر عتبات سنه هزار و دو بیست و هشتاد و هفت که طوق این علم فقط طلا بود ، همیشه این علم در کشیک‌خانه یا خانه کشیکچی باشی بود برای تشریفات سفر عتبات دو طوق را مرصع کردند غالباً در خزانه و حالا در موزه است در مواقع رسمیه از قبیل اسب‌دوانیها یا در اسفار بزرگ ، مثل سفر خراسان و آذربایجان و غیره از خزانه و موزه درمی‌آورند و به کشیکچی باشی تحویل می‌دهند و بعد از مراجعت از سفر یا بعد از انقضای تشریفات رسمی مجدداً بخزانه یا موزه معاودت می‌دهند .

نمره دوم

بیرق فوج پیاده و آن عبارت از پرده مربع‌الشکل است از حریر در چهار ضلع آن



۲۹ - در سال ۱۳۰۰ هـ . ق. (۱۸۸۳ م.) ناصرالدین‌شاه به فکر ایجاد نیروی دریایی در خلیج فارس افتاده یکی از پسران مخبرالدوله را که از تحصیل کردگان آلمان بود روانه‌ی آن کشور نمود و در نتیجه دو کشتی از دولت مزبور خریداری شد یکی بنام «پرسپولیس» بظرفیت ۶۰۰ تن و قوه ۴۵۰ اسب و دیگری بنام «شوش» با نیروی ۳۰۰ اسب که اولی در خلیج و دومی در کارون سیر می‌کرد و همراه کشتی اول چند افسر آلمانی و عده‌ی ملوان بایران آمده بودند و قطعات کشتی دوم در خلیج سوار شده آماده کار گردید .

۳۰ - اخیراً آقای طاهری شهاب (ازساری) این رساله را بدون ذکر نام نویسنده و مأخذ با تغییرات و کسر و اضافاتی تحت عنوان «بیرقهای دوره ناصر» در مجله‌ی وحید (سال دوم شماره ۶ خرداد ۱۳۴۴) بنام خود چاپ و منتشر ساخته و فقط در پایان مقاله در ضمن یک عبارت الحاقی که در اصل رساله موجود نیست ، از مرحوم غلامحسین‌خان افضل‌الملک زندی کرمانی ، نامی برده و عبارت را طوری بیان کرده که خواننده تصور می‌کند همه‌ی عبارات مقاله از خود آقای طاهری است و تنها مطلب بعد ، از قول مرحوم افضل نقل گردیده است .

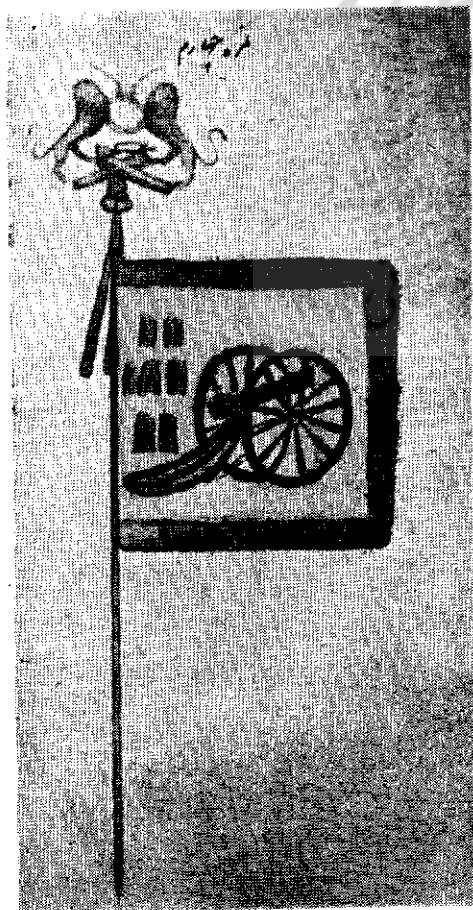
۳۱ - در موزه‌ی جواهرات سلطنتی در بانک مرکزی ایران (گنجینه‌ی ششم شماره‌ی دوم) سر علم زرین بزرگی وجود دارد که احتمال دارد که بهمین علم یا علم کاویان مربوط بوده است ولی چون شکل آن با آنچه در نقاشی‌ها آمده تفاوت دارد از این رو گمان می‌رود نقاش آنرا از نزدیک ندیده بوده و تصویر خیالی آنرا کشیده است . توضیح این سر علم در کاتالوگ موزه‌ی جواهرات سلطنتی ایران بقلم نویسنده چنین آمده است : «سر علم زرین گوهر نشان که در وسط اژدهای دوسر آن شیر و خورشیدی در دو طرف برجسته کاری و گوهر نشان شده است . در میان دوسر اژدها در هر دو روی آن «هو ، السلطان ناصرالدین‌شاه ۱۲۶۴» برجسته و الماس نشان شده و در زیر ترنج گل باقوت نشان تخمه زمردی نصب شده که در روی آن «یا ناصر» کنده شده و در داخل قرص خورشید در هر دو طرف تخمه زمردی قرار دارد که روی آن‌ها «پدالله فوق ایدیهم» کنده شده و دسته صراحی آن مس مطالاست . این سر علم مخصوص علم شاه بوده و در مراسم عزاداری تکیه‌ی دولت در پیشاپیش صفوف دسته‌های مختلف حمل می‌شده است .»



نمره دوم



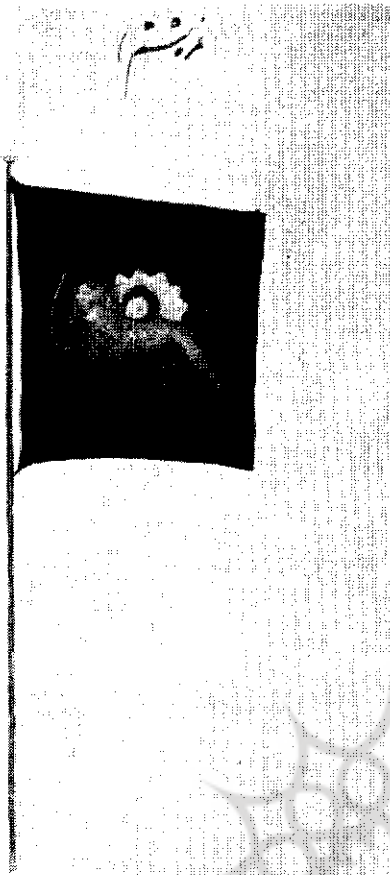
نمره اول



نمره چهارم



نمره سوم

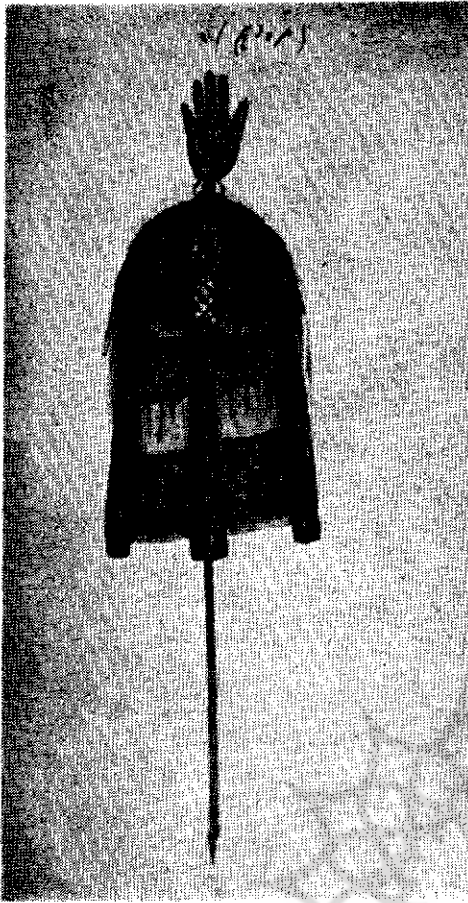


نمره هشتم

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات

پرتال جامع علوم انسانی

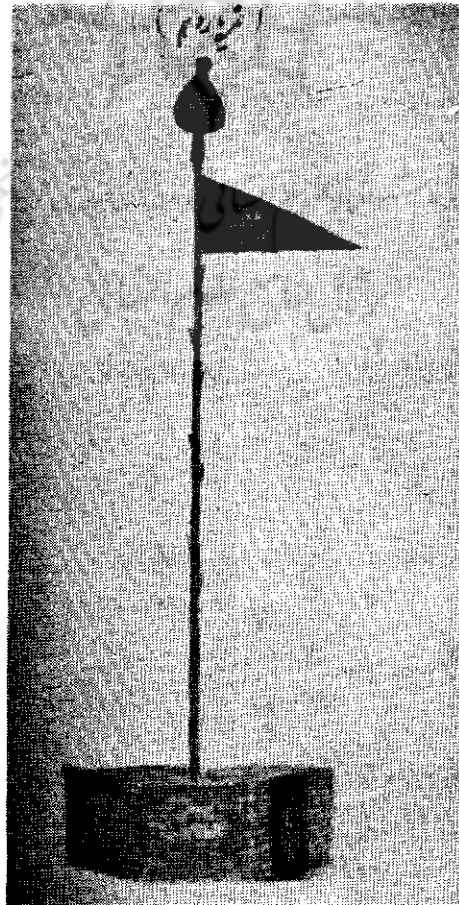




نمره دهم



نمره نهم

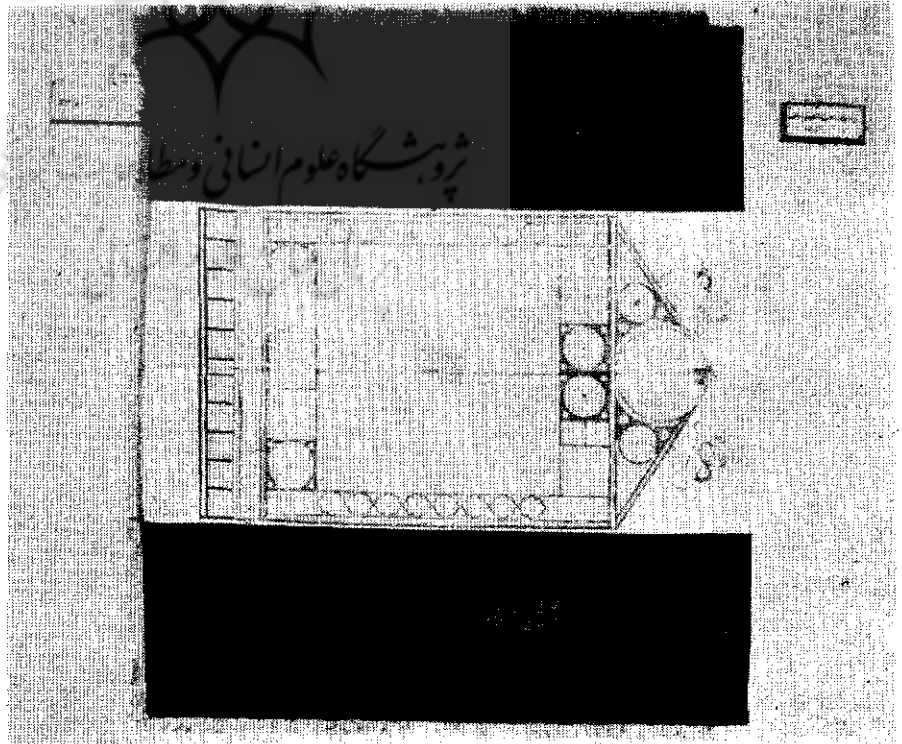


نمره یازدهم



شکل ۶۵ - درفش فوج پیادهی
خلخال که به سرهنگ عبدالعلی
خان پسر حاج علی خان اعتماد -
السلطنه تعلق داشته است

شکل ۶۶ - درفش تافتهی سرهنگ
که در قسمت سفید آن جدول
اعتداد و ادعیه با شیروخورشید
نرسیم شده و در قسمت سبز و سرخ
دو شیروخورشید که از کلمات
« نادر علی مظهر العجایب ... »
بوجود آمده با قالب باسه شده
و تاریخ ۱۳۰۵ دارد . موزهی
ایران باستان



که از تافته سرخ است این عبارت نوشته شده «بسم الله الرحمن الرحيم ، انا فتحنا لك فتحاً مبيناً ، فالله خير حافظ وهو ارحم الراحمين» . در وسط روی تافته سفید رنگ شیر و خورشید است و بالای خورشید در وسط شکل لوزی که متنش آبی است روی آن شکل با خط طلا «السلطان ناصرالدين شاه قاجار» نوشته شده و در سه طرف پرده این بیرق ریشه گلابتون است . طوق این بیرق پنجه ایست از نقره در وسط آن پنجه «لاله الا الله» کنده شده است .

نمره سوم

بیرق توپخانه است یعنی بیرق عمارت توپخانه نه بیرق توپچی، و آن عبارت از میل آهنی است با ارتفاع سه ذرع پرده اش مربع مستطیل سمت بالا حاشیه سبزی و طرف پایین حاشیه سرخی، در وسط روی پارچه سفید یک سمت شیر و خورشید و در مقابل شیر و خورشید ، یک ارا به توپ سوار تکر (چرخ) و صورت سه توپچی بالای توپ سوار شده ، صورت چند گلوله توپ در بالای گلوله ها دو لوله توپ بدون تکر بالا و اطراف لوله های توپ چند بیرق و تاج کیانی معروف در وسط بیرقها رسم شده است .

نمره چهارم

بیرق توپچی است و آن عبارت از چوبی می باشد با ارتفاع دو ذرع و نیم ، مربع متساوی الاضلاع ، دورش حاشیه سبز و در این حاشیه سبز سمت بالا «بسم الله الرحمن الرحيم» بعد «انا فتحنا لك فتحاً مبيناً» و سمت پائین «نادعلیا مظهر العجايب» و در سمت دیگر مقابل چوب بیرق «نصر من الله وفتح قريب» نوشته شده . در سه طرف این پرده ریشه گلابتون و روی پارچه آبی وسط شکل توپچی که روی تکر سوار است در پهلوی آن چند گلوله توپ نقش شده . طوق این بیرق عبارت از سه گلوله مدور که بالای گلوله شکل دو لوله توپ است و روی لوله های توپ شیپور و دوشیر بی خورشید که شمشیر در دست دارند و روبروی هم طوری که دستهایشان بهم وصل است و پای هر یک از آن شیرها بلوله توپ نصب شده و این دوشیر را از برنج مطلا شده ساخته اند .

نمره پنجم

بیرق سوار است و آن عبارت از پرده ایست مربع الشكل متساوی الاضلاع از حریر ، متن آن سفید و سه طرف حاشیه آبی ، دوره از سه طرف ریشه گلابتون در حاشیه بالا «بسم الله الرحمن الرحيم» حاشیه پایین «انا فتحنا لك فتحاً مبيناً» حاشیه جلو «نصر من الله وفتح قريب» بالای خورشید شکل لوزی است که متن آن سبز می باشد و روی آن «السلطان ناصرالدين شاه قاجار» با خط طلا نوشته شده . طوقش مدور بعلاوه در سر طوق شکل سرنیزه است . غالباً طوق نقره و بعضی اوقات هم برنج مطلاست ، بعضی اوقات طوق فقط قبه است بدون سرنیزه .

نمره ششم

بیرق عزاست در ایام عاشورا یعنی دهه اول محرم یا در سایر اوقات که تعزیه خوانی میشود و در اوان فوت شخص پادشاه در بالای ابنیه دولتی این بیرق را نصب می کنند . پرده اش از پارچه سیاه است که در روی آن شیر و خورشیدی رسم شده است .

نمره هفتم

بیرق سوار قزاق است و ضرور بشرح نیست وضع آن معین است .

نمره هشتم

این بیرق که عبارت از پرده مربعی است و دو حاشیه دارد ، بالا سبز و پایین قرمز و متن سفید ، و در روی قسمت سفید این بیرق شیر و خورشیدی رسم شده و مخصوص به ابنیه و عمارات سلطنتی و سربازخانه ها و بنادر و هر چه متعلق بدولت و سلطنتی است می باشد . شاید بیرق کشتی «پرس پولیس» هم همین قسم باشد .

نمره نهم

این بیرق هم پرده اش سهرنگ است و هر سهرنگ عرضاً و طولاً متساوی است . قسمت بالا سبز ، قسمت وسط سفید و قسمت پائین سرخ و شیر و خورشید در روی هر سهرنگ ساخته شده است

این بیرق هم مثل نمره هشت بالای ابنیه دولتی و سلطنتی افراشته می شود .

نمره دهم

علم تعزیه است که در روز هفتم محرم هر سال در حرم خانه جلالت بسته می شود . اوقاتی مرحوم مهدعلیا والدۀ شاهنشاه حیات داشتند ، ایشان و بعد از فوت آن مخدومه ، سرکار نواب علیه عالیہ انیس الدوله مباشر این کار هستند و در این روز جمعی از شاهزاده خانها و خواتین محترمه را دعوت بحرمانه می کنند و علم را با پارچه های بسیار نفیس از زری و ترمه و بنارس می بندند و جیقۀ مرصعی که از نادرشاه مانده است باین علم می زنند . طوقش پنجه طلاست و با تشریفات زیاد از حرمخانه بیرون می آورند و تحویل فراشبازی می دهند او بقاپوچی باشی تسلیم می کند ، قاپوچی باشی دست گرفته در جلو فرایشان سرکاری که بطور دسته نوحه می خوانند این علم را به تکیه دولت وارد می کنند و تا روز عاشورا که سه روز باشد این علم سپرده بفراشبازی است . عصر روز عاشورا ، فراشبازی علم را بخواجه باشی تحویل می دهد و بحرمانه می برند و باز می کنند .

نمره یازدهم

بیرق قاپوق است . در اوایل دولت شاهنشاه جم جاه ، این قاپوق در وسط میدان توپخانه قدیم ، جلو سردر آلاچی ، همانجائی که حوض بزرگ است از زمان آقا محمدشاه تا چهل و سه سال قبل از این نصب بود . بعد از آنجا نقل شده در وسط سبزه میدان حالیہ ، افراشته شد . سی و سه سال است که از سبزه میدان بطرف جنوبی شهر دارالخلافه همانجائی که حالا افراشته شده است نصب شد و این بیرق عبارت از یک چوب بسیار بلندی است که ده ذرع ارتفاع دارد بر روی یک سکویی از آجر ساخته شده نصب است بالای قبدهای از مس مطلا دارد و پرده سه گوش قرمز . مقصرینی را که واجب القتل هستند از قبیل قاتل و غیره در زیر این بیرق قصاص می کنند و سه روز علی الرسم باید جسد شخص مقتول برای عبرت سایرین در پای قاپوق افتاده باشد . در اسفار بزرگ ، پهلوی اردو بازار دو قاپوق همیشه نصب است بهمین شکل بدون سکو ، روزهای کوچ یک قاپوق و این علامت این است که فردا از این منزل کوچ است وقتی که دو قاپوق بلند است علامت این است که فردا در این منزل اطراق است .

دورهی سلطنت مظفرالدین شاه ۱۳۲۴ - ۱۳۱۴ ه . ق .

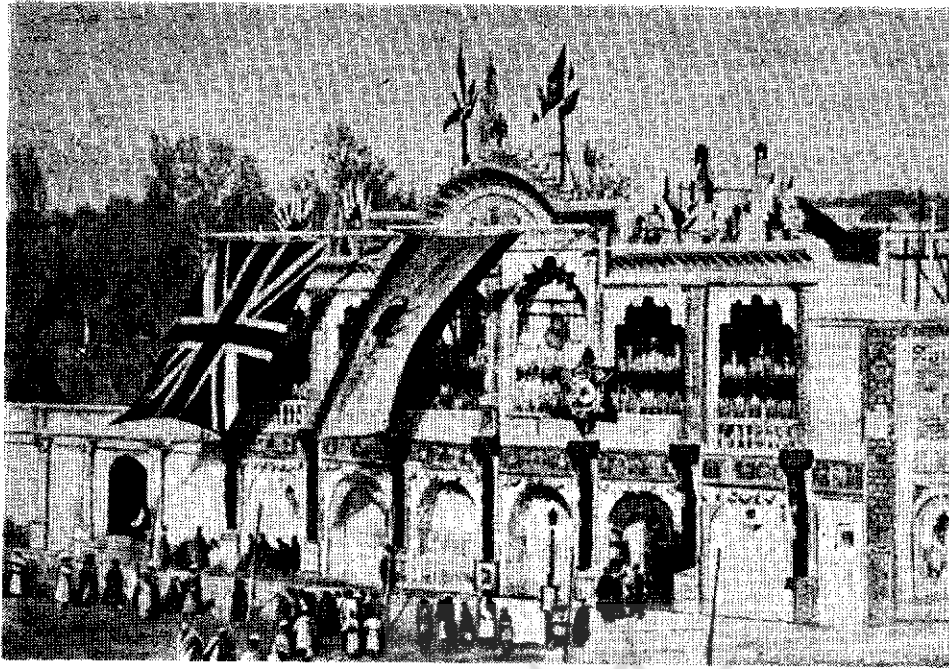
از مدارک موجود چنین پیدا است که در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه نیز همان درفشهای معمول دورهی ناصرالدین شاه بکار می رفته و بیش از همه در بالای ساختمانهای سلطنتی و مؤسسات مهم دولتی درفش سهرنگ (متن سفید با حواشی سبز و سرخ) برافراشته می گردیده است . دو قطعه عکس از همان زمان که در فاصله سالهای ۱۳۱۴ و ۱۳۱۹ ه . ق . در تهران برداشته شده است این موضوع را بخوبی روشن می سازد :

موضوع این عکسها نمای بیرونی ساختمان سابق بانک شاهی در میدان توپخانه (سپه) است که بمناسبت جشن تولد مظفرالدین شاه چراغانی شده و با درفشهای ایران و انگلیس تزیین گردیده است .

یکی از این تصاویر از کتابی بنام « Across coveted Lands » تألیف A. Henrye sauoge Landor.^{۴۲} نقل شده که نویسندهی آن در زیر عکس مزبور نوشته « عمارت بانک شاهی ایران که بمناسبت جشن تولد مظفرالدین شاه تزیین شده است » .

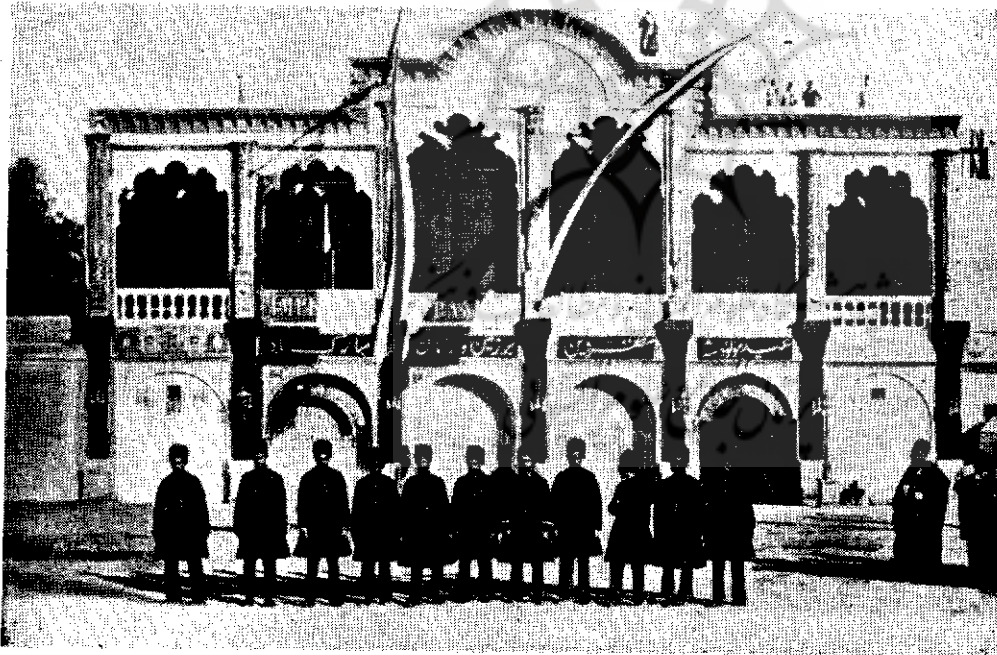
عکس دوم نیز همان منظره را در سالی دیگر نشان میدهد و چنانکه در این یکی بخوبی آشکار است ، در پشت سر غلام پیشخدمتهای بانک که جلو ساختمان رده بسته اند ، عبارت « عید مولود شه مظفر دین بر زمین وزمان مبارک باد » بر روی کتیبه هایی در بالای طاقها خوانده

۳۲ - ج ۱۰ - ۱۹۰۲ م . (= ۱۳۲۰ ه . ق .) .



شکل ۶۷ - عمارت بانك شاهي درمیدان تویخانه در زمان مظفرالدین‌شاه

شکل ۶۸ - عمارت بانك شاهي درمیدان تویخانه



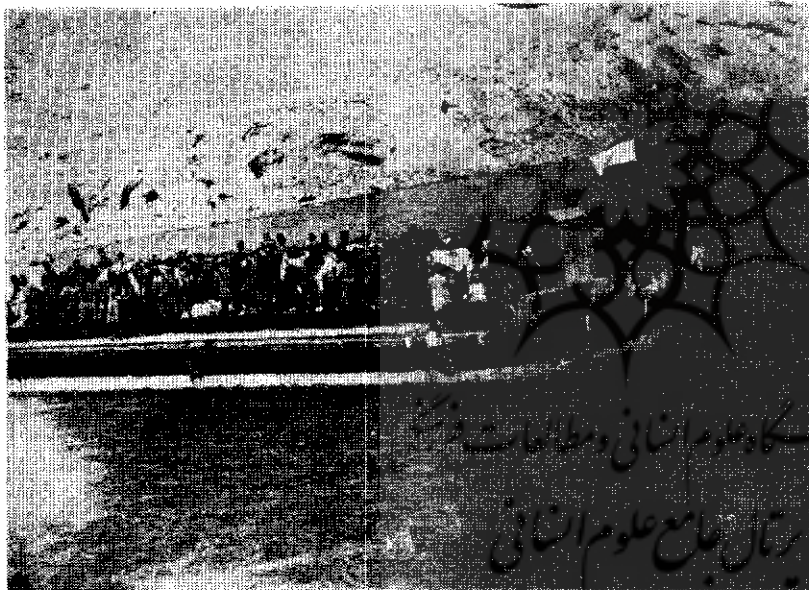
می‌شود و بدین گونه تاریخ و زمان عکس برداری کاملاً محقق شده هر گونه تردیدی را در این مورد بر طرف می‌سازد .

هم‌چنانکه در هر دو تصویر دیده می‌شود ، در این سالها پرده‌ی درفش ایران دارای متنی سفید با نقش شیرو خورشید و دو حاشیه‌ی باریک سبز و سرخ در بالا و پائین بوده است . ولی از حدود سال ۱۳۱۹ هـ . ق . به بعد ناگهان می‌بینیم شکل درفش ایران را تغییر داده‌اند یعنی حاشیه‌ی سرخ

آنرا حذف کرده يك حاشیه‌ی سبز را در سه طرف متن سفید پرده گردانیده‌اند .
 سبب این تغییر شکل ناگهانی درفش ایران، مناسفانه بهیچ وجه بر ما معلوم نیست و نمیدانیم
 آیا با رجوع به درفشهای دوره‌ی محمدشاه و ناصرالدین‌شاه آنرا بوجود آورده بوده‌اند و یا علت
 دیگری برای پیدایش آن بوده‌است .

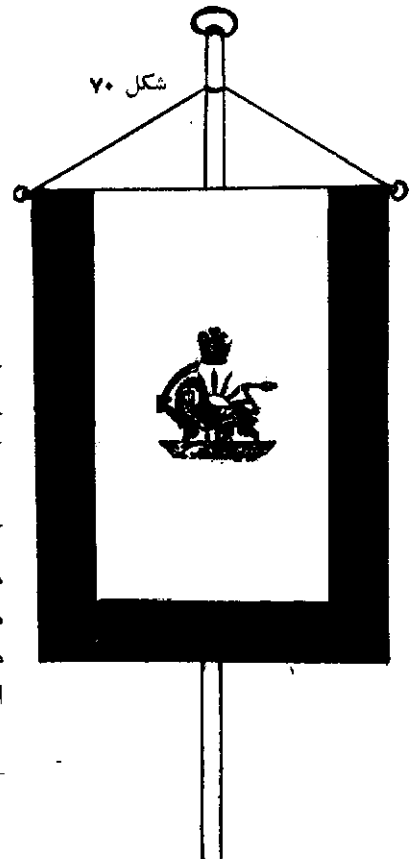
از تحقیق و تفحصی که نویسنده در این باره کرده‌است، چنین بدست آمده که این تغییر شکل
 مسلماً در حدود سالهای ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ هـ. ق. انجام گرفته و از همان سالها تا تصویب متمم قانون
 اساسی و ایجاد درفش سرنگ دوره‌ی مشروطه درفش رسمی ایران همین شکل و وضع را داشته‌است .
 از جمله مدارکی که ثابت می‌کند ، این گونه درفش در سال ۱۳۱۸ هـ. ق. در ایران مستعمل
 بوده ، تصاویریست که از سفر دوم مظفرالدین‌شاه باروفا باقی مانده و بعضی از آنها نیز در سفرنامه‌ی
 خود او بچاپ رسیده‌است .

سفر دوم مظفرالدین‌شاه باروفا از روز بیست و هفتم ذیحجه‌ی ۱۳۱۹ هـ. ق. از راه بندر
 انزلی (بندر پهلوی) و روسیه آغاز گردید . در این سفر بمناسبت ورود شاه ایران به شهر باکو
 در ایستگاه راه آهن ، عکسهایی توسط میرزا ابراهیم‌خان عکاسباشی دربار از مستقبلین و اهالی
 گرفته شده که در پشت سر آنان در چندین جا درفش ایران دیده می‌شود ، و چنانکه گفته شد ، در این
 درفشها متن پرده پارچه‌ی سفید است که شیر و خورشید در وسط آن قرار دارد و يك حاشیه‌ی سبز
 سه طرف آنرا احاطه کرده است .



شکل ۶۹ - يك كشتی يدکی كوچك در دریاچه‌ی رضاییه با درفش سه رنگ

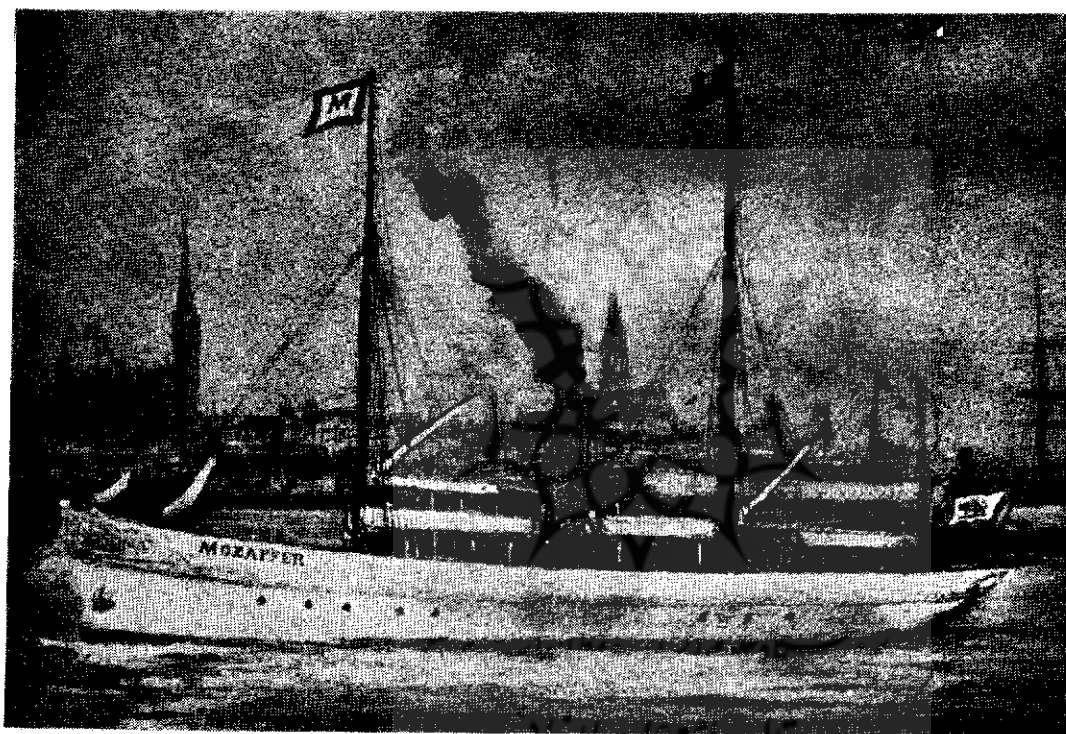
شکل ۷۰



در عکس دیگری نیز که از دورنمای باکو و خیابانهای آن گرفته شده ، باز دید می‌شود
 که شهر با همین گونه درفشها که بحالت عمودی به تیرهای چراغ برق اطراف خیابانها نصب گردیده،
 تزیین شده و علامت شیر و خورشید وسط درفش نیز بمناسبت طرز نصب ، برخلاف معمول در عرض
 آن نقش گردیده است .

در همین مسافرت در کشور بلژیک ، مظفرالدین‌شاه به امین‌السلطان اتابک دستور میدهد
 که دوفروند کشتی برای دولت ایران خریداری نماید . اتابک از بندر «استاند» که محل اقامت
 مظفرالدین‌شاه بوده ، به بندر «آنورس» می‌رود و يك فروند کشتی بخاری بنام شاه خریداری
 می‌کند . پس از انجام یافتن خرید و تعلق گرفتن کشتی بدولت ایران نام آنرا کشتی « مظفر »
 می‌گذارند و برای این که شاه آنرا از نزدیک ببیند کشتی از آنورس به ساحل «استاند» در کرانه‌ی
 اقیانوس اطلس حرکت می‌کند .

مظفرالدین شاه در سفرنامه‌ی خود در ضمن ثبت وقایع روز چهارشنبه دهم ربیع‌الثانی ۱۳۲۰ هـ. ق. در این باره نوشته است: «... جناب اشرف اتابك اعظم رفته‌اند آنورس که دو فروند کشتی برای ما خریداری نمایند برای خلیج فارس و حفظ و حراست آن حدود...»
 در وقایع جمعه دوازدهم ربیع‌الثانی نوشته «... گفتند جناب اشرف اتابك اعظم آمده ، آمدمیم بالا اطاق خودمان ، اتابك اعظم شرفیاب شد ، شرح مسافرت خودش را و کشتی که خریده بود عرض کرد . . . سماعت بغروب مانده سوار کالسکه شدیم با اتابك رفتیم به تماشای کشتی ، کشتی بسیار خوبی است ، تماشا کردیم و اجزاء کشتی را معرفی کردند و بعد آمدمیم منزل ، شب را هم توی دریا آمد ، جلو هتل آتش بازی خوبی کرد خیلی تماشا داشت . . .»^{۳۳}
 منظور از ذکر این داستان آن که ، در همان هنگام از این کشتی و بندرگاه آنورس ، تابلو نسبتاً بزرگی نقاشی و تقدیم شاه کرده‌اند که اینک در سرسرای سفره‌خانه‌ی جدید کاخ گلستان بدیوار آویخته است . در حاشیه‌ی قاب آن بفرانسه مطلبی نوشته و حک کرده‌اند که ترجمه‌ی آن



شکل ۷۱ - تابلو کشتی مظفر در لنگرگاه بندر آنورس . موزه کاخ گلستان

چنین است: «لنگرگاه آنورس در ۱۹۰۲ هنگام اقامت اعلیحضرت همایون پادشاه ایران در بلژیک» چنانکه در قسمتی از تابلو که در اینجا بچاپ رسیده و کشتی مظفر را نشان میدهد ، نمایان است - بر بالای یکی از دو دکل^{۳۴} و سکان کشتی ، دو درفش سفید با حاشیه‌ی سبز افراشته شده که در وسط پرده‌ی یکی از آنها شیر و خورشید و در دیگری حرف M یعنی حرف اول نام مظفرالدین شاه نگاشته شده است ولی گویا نقاش تابلو مزبور اشتباه کرده و یا این طور پسندیده و حاشیه‌ی سبز درفش را در چهار ضلع پرده گردانیده است در صورتیکه در درفش ایران حاشیه‌ی سبز تنها در سه طرف بوده و طرف میله‌ی درفش بدون حاشیه بوده است .
 جای شگفتی است که این اشتباه در مدارک اروپایی در چند جای دیگر نیز تکرار گردیده است ،

۳۳ - سفرنامه‌ی مظفرالدین شاه بفرنگ ص ۹۰ .

۳۴ - بر روی دکل دیگر درفش دولت بلژیک نصب گردیده است .

شاید هم چنین در فشی در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه در ایران وجود داشته و در نزد اروپاییان معروف بوده است بنابراین می‌توان گفت نقاشی در فشی بدین شکل و صورت در این تابلو کاملاً بی‌اساس و بی‌مأخذ هم نبوده سابقه‌ی داشته است^{۳۵}.

دوره‌ی مشروطه ۱۳۲۴ ه. ق.

در اواخر سلطنت مظفرالدین‌شاه بر اثر انقلاباتی که در تهران و شهرستانها پیش آمد و نفوذ و غلبه‌ی که مشروطه‌خواهان در بیشتر شهرهای ایران پیدا کردند، بالاخره مظفرالدین‌شاه در چهاردهم جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ه. ق. (مطابق سیزدهم آرمرداد ۱۲۸۵ ه. خ.) فرمان مشروطه را امضاء کرده اجازه داد مجلس شورای ملی مرکب از طبقات مختلف مردم کشور در تهران تشکیل یابد. پس از تشکیل مجلس ملی، نمایندگان تهران و عده‌ی از رجال و قانون‌دانان با عجله شروع به تنظیم «نظامنامه‌ی اساسی» نموده آنرا در ۵۱ اصل در چهاردهم ذی‌القعدة ۱۳۲۴ یعنی ده روز پیش از فوت مظفرالدین‌شاه بامضای شاه و ولیعهدش رسانیدند.

نمایندگان تبریز که پس از تصویب این نظامنامه به تهران وارد شده بودند و مردم و انجمن تبریز که سپس از مفاد آن مطلع گردیدند، آنرا ناقص و غیر واقعی یافته مجدانه تکمیل آنرا خواستار گردیدند زیرا در آن قانون راجع به حقوق ملت و تفکیک قوای سه‌گانه و بسیاری مسائل مهم دیگر که لازمه‌ی حکومت مشروطه است سخنی بمیان نیامده بود و بعضی قسمتهای آن نیز به نظامنامه بیشتر شباهت داشت تا يك قانون اساسی و شاید به همین مناسبت بود که ابتدا به آن «نظامنامه‌ی اساسی» می‌گفتند.

محمدعلی میرزا و اطرافیان او تا می‌توانستند از تکمیل قانون جلوگیری می‌کردند ولی بالاخره با شورش‌های پیاپی و سخت‌گیری مردم و انجمن تبریز، و کشاکش‌هایی که بین تبریز و تهران در این مورد پیش آمد، قرار گذاشتند برای رفع نواقص و تکمیل قانون اساسی کمیسیونی مرکب از: سعدالدوله، حاج امین‌الضرب، حاج سید نصرالله اخوی، محقق‌الدوله، صدیق‌حضرت، مستشارالدوله و تقی‌زاده در مجلس تشکیل یافته متمم قانون اساسی را تهیه و تنظیم نمایند. آماده کردن قانون مدت سه‌ماه طول کشید و در این مدت مردم و آزادیخواهان تبریز - از رهگذر بیمی که از نیات محمدعلی میرزا درباره‌ی مشروطه داشتند - در نوشتن و تصویب و امضای آن ایستادگی مردانه و پایداری شگفت‌آوری از خود نشان دادند. سرانجام متمم قانون اساسی که روح حکومت مشروطه بیشتر در آن منعکس می‌باشد پس از کشاکش‌های نمایندگان در تاریخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ه. ق. در ۱۰۷ اصل بامضای محمدعلی میرزا رسیده بعموم مردم ایران اعلان گردید.

باتغییر رژیم و پایان یافتن دوره‌ی حکومت استبدادی، بسیار بجا و لازم بود که در فشی ایران نیز تغییر یابد و يك در فشی ملی که نماینده‌ی حکومت مشروطه باشد انتخاب گردد. نویسندگان متمم قانون اساسی با توجه به این موضوع، در همان اوایل متمم قانون اساسی اصلی گنجانیدند که بموجب آن چگونگی شکل و رنگ و علامت در فشی حکومت جدید تعیین و تثبیت گردید. پیش از تصویب متمم قانون اساسی و در اوایل شورهای مشروطه‌خواهی، دسته‌های



شکل ۲۲

۳۵ - در يك قطعه نقشه‌ی جهان‌نمای قدیمی که همه‌ی کشورهای آن‌زمان را با اطلاعات دیگری از نژادها و لباسها و پولها و آرمها و درفشها و سلاطین و کاشفان و تطبیق ساعات و مطالب بسیار دیگر ترسیم و تنظیم کرده‌اند، در فشی ایران، بهمین شکل تصویر گردیده است. این نقشه در لندن بوسیله‌ی مؤسسه‌ی G.W. Bacon and Company, 127, Strand, London. بچاپ رسیده و متأسفانه تاریخ طبع ندارد ولی نزدیکترین تاریخی که بر روی آن خوانده می‌شود ۱۸۷۴ م. (= ۱۲۹۱ ه. ق.) است اگر تاریخ چاپ نقشه نیز در حدود همین سالها باشد باید بپذیریم که چنین در فشی در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه نیز در ایران مرسوم بوده است مگر این که نقشه بسیار دیرتر از این تاریخ بچاپ رسیده باشد.

۳۶ - در مقاله‌های آقای شیرنوری در اطلاعات ماهانه و نشریه‌ی وزارت امور خارجه و در رساله‌های «اطلاعاتی درباره‌ی پرچم ایران» از انتشارات دفتر فنی اداره‌ی کل انتشارات و رادیو (وزارت اطلاعات) این تاریخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۶ ذکر شده که البته اشتباه است.

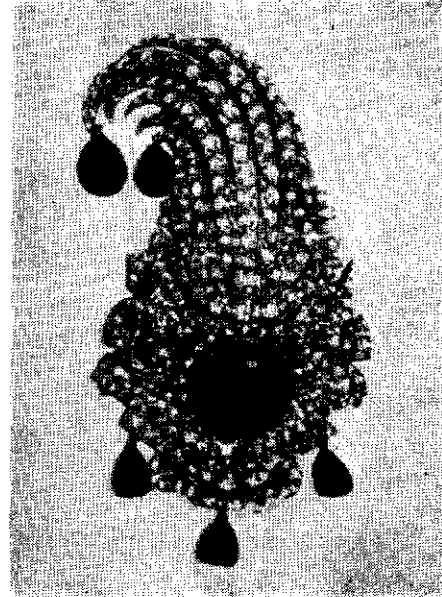
مجاهدین و شاگردان مدارس تبریز که از بکار بردن درفش حکومت استبدادی اعراض کرده بودند، به مناسبت دوره‌ی انقلاب و شورش، درفش‌های سرخ با خود حمل می‌کردند^{۳۷} و با خواندن سرودهای مهیج در اجتماعات ملی شرکت می‌نمودند ولی پس از تصویب متمم قانون اساسی که بموجب اصل پنجم آن «الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیروخورشید» اعلام گردید، رفته‌رفته، درفش مصوب مجلس شورای ملی، جای درفش‌های رسمی سابق و درفش‌ها و علمهای متفرق دیگر را گرفته بتدریج در سرتاسر ایران متداول گردید.

آنچه بیش از همه درباره‌ی درفش دوره‌ی مشروطه‌ی ایران مورد تحقیق و سؤال است، دلیل و علل انتخاب رنگهای سبز و سفید و سرخ بطور مساوی است زیرا تاکنون مدرک متقن و مطلب قانع‌کننده‌ی در این خصوص بدست نیامده است و دانسته نیست فکر انتخاب این‌گونه درفش از چه کسی و یا کسانی بوده و برای چه منظوری این رنگها را بترتیب حاضر برای درفش ایران، معین کرده‌اند؟

البته با توجه مطالب صفحات قبل، کاملاً روشن گردیده که در دو بیست ساله‌ی اخیر^{۳۸} همیشه از رنگ‌های سبز و سفید و سرخ بصورتها و شکل‌های مختلف در درفش‌های ایران استفاده می‌شده است، بنابراین انتخاب این رنگها برای درفش ایران، ابتکار جدیدی نبوده است ولی آن چه مهم و در عین حال مجهولست، اینست که آیا این بار در انتخاب این رنگها منظور خاصی در میان بوده و معنی و مفهوم معینی از آن‌ها اراده شده است یا نه؟ و عبارت دیگر دانسته نیست آیا رنگهای درفش ایران معانی سمبلیک دارد یا نه؟

بررسیهایی که نویسنده تاکنون در این مورد بعمل آورده، متأسفانه بعلت کمی مدارک لازم، به نتیجه‌ی نرسیده و موضوع همچنان مجهول و لاینحل مانده است^{۳۹}، و از طرف دیگر همین مجهول بودن منشاء ایجاد و یا عبارت بهتر بگوییم انتخاب درفش دوره‌ی مشروطیت به برخی از نویسندگان فرصت داده است که اسب حدس و گمان را در میدان وهم و خیال بجولان در آورده از پیش خود داستانهایی برای پیدایش درفش ایران و معنی رنگهای آن بیوراندند که متأسفانه اغلب سخنان بی‌مدرکی است و درجایی اساسی بر آن‌ها نمی‌توان یافت.

مرحوم عبدالله مستوفی در کتاب «تاریخ اجتماعی دوره‌ی قاجاریه» نوشته است: «بیرق شیروخورشید ایران خیلی قدیمی است از تاریخ نمی‌توان تاریخ تحولات آنرا بدست آورد (؟) ولی رنگ زمینه بیرق معین نبود، حاشیه‌ای برنگ سرخ یا سبز یا ملمع از این دو رنگ برض چهار انگشت بیش و کم در دور پرده سفید قرار میدادند و اجماًلاً رنگ سرخ و سبز و سفید رنگ پرده بیرق ایران بشمار می‌آمد. تقسیم این سرنگ به سه قسمت که از سبز شروع و بسرخ ختم



شکل ۷۳ - «جقه‌ی نادری»
موزه‌ی جواهرات سلطنتی، بانک مرکزی ایران

۳۷ - تاریخ مشروطه‌ی ایران - ج. ۲، ص ۷۳.

۳۸ - چنین می‌نماید که استفاده از رنگهای سبز و سرخ و سفید در وضع و حالات مختلف در روی درفش‌های ایران از زمان نادرشاه معمول گردیده است. در قسمت وسط و پایین «جقه‌ی نادری» که اینک در موزه‌ی جواهرات سلطنتی در بانک مرکزی ایران محفوظست تزیینات متقارنی از اشکال لوله‌های توپ و نیزه و درفش و طبل دیده می‌شود که در آن پرده‌ی درفش مستطیل‌شکلی (؟) مرکب از سرنگ سرخ و سفید و سبز است و رنگها با سنگهای یاقوت و الماس و زبرجد (زمررد کم‌رنگ) نمایانده شده است. هرگاه در این قسمت از جقه در زمان ناصرالدین‌شاه تغییراتی نداده باشند و ساخت آن مربوط بزمان خود نادرشاه باشد (؟) باید پذیرفت که این رنگها از همان زمان در درفش‌های ایران بکار رفته است.

۳۹ - برای تحقیق در منشاء ایجاد و انتخاب درفش سرنگ دوره‌ی مشروطه، نویسنده چندین بار مذاکرات دوره‌ی اول و دوم مجلس شورای ملی را از زیر نظر گذرانیده، متأسفانه مطلبی در این خصوص بدست نیاورده است و از کمیسیون مأمور تنظیم و تهیه‌ی متمم قانون اساسی نیز صورت جلساتی (اگر بوده) باقی نمانده است تا بآنها مراجعه شود، از اشخاصی هم که در کمیسیون مزبور شرکت داشته‌اند اینک تنها جناب آقای سدحس تقی‌زاده در حال حیات هستند که نویسنده برای کسب اطلاع در این مورد به جناب ایشان نیز مراجعه کرد ولی متأسفانه ایشان نیز موفق نشدند مطلبی بخاطر بیاورند.

شود شیر و خورشید در وسط رسم گردد از کارهای مشیرالدوله است»^{۴۰}.

آقای سعید نفیسی در مقاله‌ی خود در سالنامه‌ی کشور ایران^{۴۱} تحت عنوان « تاریخ شیر و خورشید ایران » نوشته‌اند: « رنگهای کنونی بیرق ایران را در مشروطیت اول اختراع کرده‌اند و چون در انقلاب فرانسه رنگ سرخ را برای انقلابیان و رنگ سفید را برای سلطنت و رنگ آبی را برای طبقه روحانی اختیار کرده‌اند در مجلس اول هم رنگ سرخ را برای انقلابیان و رنگ سفید را برای سلطنت و رنگ سبز را که رنگ سیادت می‌دانستند برای طبقه روحانی قائل شدند و بدینگونه بیرق کنونی با نقش شیر و خورشید فراهم آمد» باز همین مطالب را در کتابچه‌ی «درفش ایران» تکرار کرده نوشته‌اند « متن بیرق ایران با علامت شیر و خورشید تا پیش از مشروطیت پارچه سفید بود که حاشیه سبزی از سه طرف داشت و در مشروطه اول به تقلید بیرق فرانسه که برخی گفتند رنگ آبی علامت کلیسای کاتولیک و رنگ سفید علامت سلطنت و رنگ سرخ علامت انقلاب بوده است این نکته بی اساس را ظاهراً سند گرفته رنگ سبز را برای مذهب اسلام و رنگ سفید را برای سلطنت و رنگ سرخ را برای انقلاب گرفته‌اند و رنگهای کنونی بیرق ایران از این راه پیدا شده است». چنانکه پیداست این بار آقای سعید نفیسی « این نکته بی اساس » را با عبارت « برخی گفتند» بدیگران نسبت داده ولی در هر حال تقلید از درفش فرانسه را مسلم شمرده‌اند.

آقای مهندس هوشنگ نیرنوری در روزنامه‌ی مهر ایران ۱۳۲۷ ه. خ. از قول آقای «ردلیک» چنین آورده‌اند: « رنگ سبز پرچم گویا از لحاظ دین مبین اسلام و مخصوصاً از این نظر که نزد شیعیان محترم شمرده می‌شود انتخاب گردیده است و رنگ سرخ از پرچم سلسله ترکان سلجوقی که سالها در ایران سلطنت کرده‌اند گرفته شده و چندان هم بیدلیل نیست زیرا فتحعلی شاه از سلسله قاجاریه بود و اصلاً از نژاد ترک می‌باشد. . . . »^{۴۲}.

آقای حمید نیرنوری در مقاله‌ی « تاریخچه‌ی پرچم ایران » در مجله‌ی اطلاعات ماهانه در این مورد این گونه نوشته‌اند « . . . و بطور تحقیق می‌توان گفت که ملت ایران در همان وقتی که قانون اساسی خود را از روی قوانین اساسی کشورهای اروپایی می‌نوشت پرچم خود را نیز به تقلید از آنها تغییر داد منتها آنچه از قدیم باقی ماند الوان بیرق و علامت شیر و خورشید آنست»^{۴۳}.

آقای نیرنوری باز در مقاله‌ی خود در نشریه‌ی وزارت امور خارجه این طور اظهار عقیده کرده‌اند: « . . . و بطور تحقیق می‌توان گفت که ملت ایران در همان موقعی که قانون اساسی خود را از روی قوانین اساسی کشورهای اروپایی تنظیم می‌کرد بیرق خود را نیز به تقلید از آنها تغییر می‌داد و بیرق ایران را نیز مانند بیرق انقلابی فرانسه بصورت بیرقی سمرنگ درمی‌آورد منتهی بجای سمرنگ آبی و سفید و سرخ بیرق ملی فرانسه، سمرنگ سبز و سفید و سرخ را برگزیدند و چون در بیرق فرانسه آبی علامت کلیسای کاتولیک و سفید علامت سلطنت و رنگ سرخ علامت انقلاب قلمداد شد بود ایرانیان صدر مشروطه و نمایندگان پر حرارت مجلس آن دوره نیز تنها قسمت آبی بیرق را که نشانه مذهب کاتولیک بود به سبز که علامت مذهب شیعه و دین اسلام است مبدل ساختند و سفید و سرخ را بهمان نحوی که در فرانسه بود باقی گذاشتند».

ماخذ این نوشته‌ی آقای نیرنوری مقاله‌ی آقای سعید نفیسی در سالنامه‌ی کشور ایران است و ایشان بی آن که در اطراف صحت و سقم این داستان تحقیق نمایند و یا توجه نمایند که آقای نفیسی در نوشته‌ی بعدی خود این موضوع را « نکته‌ی بی اساس» نامیده و جعل آن را با عبارت « برخی گفتند» به ایرانیان صدر مشروطه نسبت داده‌اند (؟) - آنرا مطلب صحیحی پنداشته با عبارت « بطور تحقیق » در مقاله‌ی خود بعنوان تاریخچه‌ی چگونگی پیدایش درفش ایران ذکر کرده‌اند

۴۰ - تاریخ اجتماعی دوره‌ی قاجاریه ص ۱۶۱.

۴۱ - سالنامه‌ی کشور ایران - بهمن ۱۳۲۵.

۴۲ - اطلاعات ماهانه ۱۳۲۸ شماره ۱۶ ص ۳۶.

۴۳ - اطلاعات ماهانه ۱۳۲۸ شماره ۱۶ ص ۳۶.

و بدین گونه متأسفانه يك «نکته‌ی بی‌اساس» منشاء پیدایش درفش ملی ایران قرار گرفته و خود بخود داستانی برای آن پدید آمده است .

آن چه در این مورد قابل دقت و توجه می‌باشد این است که در اظهار نظرهای فوق چند موضوع ناصحیح و بی‌اساس وجود دارد که بدون تحقیق و بررسی نوشته شده و دلیلی بر آنها جز خود آنها نمی‌توان یافت . این که نوشته شده « تقسیم سمرنگ به سه قسمت مساوی از کارهای مشیرالدوله است » سخن بی‌پای است زیرا در هیچ نوشته و کتابی چنین مطلبی نیامده است . گذشته ازین، دیدیم که در جزو درفشهای دوره‌ی سلطنت ناصرالدین شاه درفش بشکل و وضع درفش دوره‌ی مشروطه وجود داشته است بنابراین انتخاب درفش سمرنگ ، موضوع تازه‌ی نبوده است که ایجاد و اختراع آنرا بکسی یا کسانی نسبت دهیم ، پس با توجه باین مطلب این که گفته شده : « رنگهای کنونی بیرق ایران را در مشروطیت اول اختراع کرده‌اند » سخنی غیر قابل قبول است . هم چنین این که نوشته‌اند درفش دوره‌ی مشروطه به تقلید درفش دولت فرانسه بوجود آمده و برای درفش اخیر نیز تاریخچه‌ی پدید آورده ، نوشته‌اند : رنگ سرخ به انقلابیون و سبز سفید به سلطنت ورنگ آبی به طبقه روحانی اختصاص داشته است ، سخنی بی‌مدرک و بی‌اساس است زیرا اولاً درفش سمرنگ در میان درفشهای کشورهای جهان فراوانست و از آن میان ، درفشهای کشورهای : ایتالیا ، مجارستان ، بلغارستان و مکزیک از حیث شکل ورنگ بسیار شبیه درفش فعلی ایران بوده است و اگر بنا بر آن باشد که چشم رویهم گذاشته از پندار خود تاریخ سازیم و یا اگر این امر در ذهن ما از اصول مسلم گردیده است که منشاء هر چیز را در شرق ، باید در غرب جستجو کنیم و هر چه داریم بی‌بر و برگ تقلیدی است از یک مردم و کشور دیگر ، چرا نگوییم که درفش ایران از درفش ایتالیا تقلید شده است که از هر حیث تقریباً شبیه بهم است در صورتیکه در درفش فرانسه گذشته ازین که رنگها برخلاف درفش ایران بطور عمودی قرار دارد ، از سمرنگ نیز فقط دو رنگ بهم شبیه است ، و انگهی نسبت‌ها و معانی که به رنگهای درفش فرانسه داده‌اند ، موضوعی است که اخیراً جعل گردیده و از کجا معلومست که در صدر مشروطیت چنین افسانه‌ی در میان مشروطه خواهان و قانون نویسان ایران معروف بوده است .

کسانی که از تاریخچه‌ی درفش فرانسه که بعد از انقلاب کبیر معمول گردیده است اطلاع دارند می‌دانند که رنگهای سه گانه‌ی آن با تاریخ کشور و مردم فرانسه ارتباط دارد .

درفش کبود رنگی که منسوب به «سن مارتین St. Martin» بوده نخست توسط پادشاهان فرانسه در قرن چهارم میلادی بکار برده شد و تا ششصد سال این درفش بعلامت شکون و پیروزی در جنگها آفرشته می‌شد . سپس درفش ابریشمین سرخ دو زبانه‌ی «سن دنیس St. Denis» به میان آمد و پس از آن درفش سفید ساده‌ی که مظهر تقدس و پاکی مریم عذرا بود برای نخستین بار توسط ژاندارک بکار برده شد و بعدها بوروبونها آنرا اقتباس کرده معروف تر ساختند ، بنا بر این هنگامی که انقلابیان فرانسه در سال ۱۷۸۹ م. قلعه‌ی باستیل را مورد حمله قرار دادند و اعلام آزادی کردند بسیار طبیعی و مناسب بود که درفش متشکل از سمرنگ کبود و سفید و سرخ را که نمودار ادوار تاریخی میهنشان است برای خود انتخاب نمایند . این است تاریخچه‌ی پدید آمدن درفش فرانسه و معانی رنگهای آن و چنان که می‌بینیم در اینجا نه کبود رنگ مذهب کاتولیک ، نه سفید علامت سلطنت و نه سرخ نشانه‌ی انقلاب است .

از طرف دیگر ، این سخن نیز که گفته شده ، بجای رنگ کبود درفش فرانسه که نشان مذهب کاتولیک است سبز که «رنگ اسلام» است انتخاب گردیده ، سخنی کاملاً بی‌مدرک می‌باشد . زیرا «اسلام» رنگ بخصوصی برای خود ندارد و در هیچ جا نیز نوشته‌اند که رنگ سبز ارتباطی با اسلام دارد ، زیرا اگر چنین بودی ، می‌بایست لااقل یکی از درفشهای لشکر اسلام سبز باشد در صورتیکه چنین چیزی در تاریخها دیده نشده است و در همه جا صراحتاً نوشته‌اند که پیغمبر اسلام دو درفش برنگ سفید و سیاه داشته که سفید را علی بن ابیطالب و سیاه را عباس عم پیغمبر حمل می‌کرده‌اند و بهمین سبب هم بعدها شعار عباسیان سیاه و شعار علویان سفید بوده است و داعیان علوی

در دعوت‌های خود همواره درفش سفید بر می‌افراشته‌اند. چنان‌که در کتاب «النقض» که در حدود سال ۵۶۰ ه. ق. تألیف شده می‌نویسد: «آنچه گفته است که: «رافضی رأیت سفید دارد و ملحد همین دارد» پندارم دلالت ماندگی نکند که اتفاق است که رسول هر دو رأیت داشته است سپید را به‌علی داد و سیاه را به‌عباس و آل‌علی سپید دارند هنوز و آل‌عباس هنوز سیاه دارند»^{۴۴}.

در جای دیگر نیز که سبز «رنگ روحانیت و روحانیون» و نامود شده آن نیز صحیح نیست زیرا رنگ سبز در اسلام ابتدا شعار امویان بوده، بعداً بسادات حسنی اختصاص یافته، کم‌کم مختص ائمه شیعه گردید. در تاریخ بی‌هقی می‌خوانیم که چون مأمون امام‌رضا را ولیعهد خویش کرد رنگ پارچه‌ی علمها را از سیاه به سبز تبدیل نمود، ولی در هر صورت این رنگ چنانکه پنداشته‌اند ارتباطی با عالم روحانیت ندارد. مگر همه‌ی روحانیان در ایران سید هستند که رنگ سبز معرف این طبقه باشد^{۴۵}؟!

بهر حال انتشار مطالب نادرست در مورد معانی تمثیلی رنگ‌های درفش ایران، باعث آمده که تهیه‌کنندگان دفترچه‌یی که از طرف «دفتر فنی اداره کل انتشارات و رادیو» تحت عنوان «اطلاعاتی درباره پرچم ایران»^{۴۶} چند سال پیش منتشر گردیده است - بخود اجازه دهند که علاوه بر معانی نادرست فوق تعبیرات جدیدتری نیز پدید آورده بر آنها بیفزایند و موضوع را هر چه غلیظتر و معنی‌دارتر سازند و حتی چند قدمی پیش‌تر نهاده معانی جدیدی نیز برای «شیر و خورشید» بوجود آورند. چنانکه نوشته‌اند:

«رنگ سبز که در بالا واقع شده نشانی از مذاهب (؟) اسلام و هم سبز و خرمی کشور و نشانه صفای روح و باطن است».

«رنگ سفید نشان صلح دوستی و آرامش طلبی کشور است».

«رنگ قرمز نشان مشروطیت ایران و هم نشانی از آنست که اگر بحقوق و آزادی و استقلال ملت ایران تجاوز شود آماده جنگ است و با خون خویش از حق خود دفاع خواهد کرد».

«شیر علامت شجاعت و استقامت و متانت است».

«خورشید منبع نیرو و نور و علامت روشنی دل و جان است».

«شمشیر علامت دفاع از کشور است».^(۴۷)

دانسته نیست تهیه‌کنندگان این دفترچه این تعبیر و تفسیرها را در مورد رنگ‌ها و شیر و خورشید و درفش ایران از کجا آورده‌اند و منشأ نوشته‌های آنها چیست ولی در هر صورت در پایه و اساس نظیر مطالب و نوشته‌های قبلی است و در هیچ جا سند و مدرکی بر آنها نمی‌توان یافت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴۴ - کتاب‌النقض، بتصحیح و تحشیه‌ی آقای جلال‌الدین محدث ارموی، ص ۵۲.

۴۵ - اگر در مورد رنگ سبز که از باستان‌زمان، بسیار مطلوب ایرانیان بوده است بخواهیم بررسی کنیم باید منشاء آن را در آیین مهر جستجو کنیم.

۴۶ - «اطلاعاتی درباره پرچم ایران» تهیه شده در «اداره طرح‌ها». این دفترچه که بیشتر مطالب آن مستقیماً وبدون ذکر نام از مقاله‌ی آقای شیرنوری اقتباس گردیده، چند سال پیش بدوشکل پلی‌کپی و فوتوکپی، در دسترس مردم گذاشته شده ولی تاریخ انتشار در روی آن قید نگردیده است.